

طراحی الگوی فقهی امنیت فرافردی با استفاده از دیدگاه فقه‌های شیعه

وحید صادقی راد¹ علی واعظ طبسی² رضا عباس پور³

¹ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران <mailto:v.sadeghirad@iau.ac.ir>

² استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول) iaui.ac.ir@0939523809

³ دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، reza.abbaspour@iau.ac.ir

نویسنده مسئول: iaui.ac.ir@0939523809

تاریخ دریافت: 1403/11/09 تاریخ پذیرش: 1404/11/03

چکیده

امنیت یکی از نیازهای مهم و اساسی انسان‌ها است که نتیجه آن ایجاد آرامش درونی می‌باشد؛ همراه بودن نیاز به امنیت با آفرینش انسان و توجه شدید وی به این نیاز، آن را در ردیف نیازهای فطری بشر آورده است. بدیهی است از آنجایی که فقه شیعه با فطرت و نیازهای او سازگاری و تناسب کامل دارد به این موضوع نیز پرداخته باشد. توجه به ابعاد فردی به عنوان حفظ امنیت شخصی افراد و فرافردی (عمومی) به عنوان زیر بنای تحفظ ماهیت اسلام (بیضه الاسلام) برای پاسخ به این نیاز ضروری می‌باشد؛

با تغییرات جهانی و ظهور تهدیدات جدید بر کشورهای اسلامی، نیاز به رویکردهای نوین در سیاست‌های امنیتی احساس می‌شود. به همین منظور با نگاه به آموزه‌های اسلامی و محتوای کلام فقه‌های شیعه معلوم می‌گردد که هدف از دستوراتی که منجر به حفظ بیضه الاسلام می‌شود صرفاً حفظ محدوده جغرافیایی حکومت‌های اسلامی نیست بلکه از آنجایی که سرزمین بستر مادی محمل ظهور و بروز دین تلقی می‌شود حفظ سرزمین از باب مقدمه واجب، واجب شمرده شده است

بر این اساس مسأله اصلی این است که در فقه شیعه آیا می‌توان به الگویی برای بعد فرافردی امنیت رسید؟ با رویکرد به این پرسش، هدف از پژوهش حاضر طراحی الگویی فقهی برای امنیت فرافردی با استفاده از دیدگاه فقه‌های شیعه به منظور حفظ بیضه الاسلام می‌باشد. در این راستا ضمن تعریف امنیت، مولفه‌های استقرار امنیت فرافردی شامل اقتصاد، عدالت قضایی، انتظام درون حکومتی و امنیت ملی در حکومت‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و با نگاهی به گزاره‌های فقهی ناظر بر آن، نه‌ایات الگویی ابتنا خواهد شد. به این منظور این تحقیق از نوع تحقیقات تحلیلی-اسنادی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات آن از نوع کتابخانه‌ای است که با استفاده از ابزار فیش برداری از کتاب‌ها، مقالات و ... اطلاعات لازم گردآوری شده است.

کلیدواژه: فقه، امنیت فرافردی، اقتصاد، عدالت قضایی، انتظام درون حکومتی، امنیت ملی

1- مقدمه

امنیت واژه عربی از ریشه امن به معنای اطمینان و آرامش در برابر ترس است؛ به بیان دیگر امنیت، نداشتن دلهره و دغدغه و رهایی از تشویش و اضطراب است. (نصیری، 1381، ص 115) قرآن کریم هرجا واژه امنیت را به کار برده است به معنای اطمینان و آرامش و فقدان تهدید و ترس بوده است (سوره مبارکه عنکبوت، آیه 67) امنیت دارای دو بعد اساسی می‌باشد، یک بعد آن جنبه‌های شخصی آن را در بر می‌گیرد، نظیر امنیت جان، روان، مال، آزادی، کرامت، شخصیت، حیثیت و... و بعد دیگر که از آن تعبیر به امنیت فرافردی (عمومی) می‌شود، مفهومی است که تماماً وابسته به شخص نبوده، بلکه به عموم مردم تسری پیدا می‌کند.

امنیت عمومی بر ایجاد آرامش و نظم داخلی تکیه می‌کند؛ به عبارت دیگر وضعیتی است که در آن نظم و قانون و رعایت عدالت در یک جامعه حاکم است و شهروندان در سایه آن از تهدید و خطر در امان بوده، برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی اطمینان خاطر دارند. (هوشنگفر، 1389، ص 348)

بدیهی است از آنجایی که حکمرانی بر مسلمانان باید بر اساس دستورات الهی و آموزه‌های دینی مبتنی بر شریعت اسلام باشد، شاخصه‌ها و مولفه‌های برقراری امنیت نیز باید بر اساس نظرات فقه‌ها ترسیم گردد.

در این راستا با بررسی نظرات فقه‌های شیعه این مهم حاصل می‌شود که برای برقراری امنیت پایدار در نظام اسلامی، باید دولت‌های اسلامی به ایفای نقش در این خصوص بپردازند.

همانگونه که پیش تر مطرح گردید با مذاقه بر متون فقهی شیعه آنچه که منجر به ایجاد یا استقرار امنیت عمومی یا همان علل فاعلی امنیت فرافردی می شود برقراری امنیت در شقوق اقتصادی، قضایی، داخلی و ملی می باشد.

پیشینه تحقیق:

در خصوص مقاله پیش‌رو، کتاب و یا نوشته مستقلاً که در آن به صورت معین امنیت فرافردی را بررسی نماید و این بررسی را به صورت الگویی تجمیعی ارائه نماید، مشاهده نگردیده است لکن به صورت مجزا در خصوص امنیت و ابعاد مختلف آن نوشته‌هایی موجود است که به اهم آن اشاره می‌گردد:

- 1- اسماعیلی، محسن (1379) امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد و احکام فقهی)
- 2- رحمت اللهی، حسین- لک زایی، نجف- ارسطا، محمدجواد- حاج زاده، هادی (1394) امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه. حقوق اسلامی
- 3- نباتیان، محمد اسماعیل (۱۴۰۰) فقه و امنیت (امنیت پژوهی در تراث فقه شیعه)
- 4- حاج زاده، هادی (1399) مرجع امنیت در فقه اسلامی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

مولفه «اقتصاد» در استقرار امنیت فرافردی

توجه به مفهوم اقتصاد در برقراری و استقرار امنیت فرافردی نقش اساسی و حیاتی دارد، اقتصاد یک مفهوم چند وجهی است که به عنوان پایه ای برای ثبات و رفاه ملی عمل می کند. این موضوع شامل حفاظت از منافع اقتصادی یک کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، تضمین توسعه پایدار و رفاه جامعه و در یک مفهوم کلان، حفظ امنیت اقتصادی کشور می باشد. امنیت اقتصادی به عنوان حالت حفاظت از حوزه اقتصادی و منافع ملی در برابر عوامل بی ثبات کننده تعریف می شود. این مفهوم یک امر جدایی ناپذیر از امنیت ملی است و بر بخش های مختلف امنیت تأثیر می گذارد. امنیت اقتصادی یک مفهوم پیچیده است که جنبه های اقتصادی، حقوقی و جامعه شناختی را در هم آمیخته است. (زوب^۱، 2024) یک چارچوب امنیت اقتصادی قوی باعث افزایش رقابت و انعطاف پذیری یک کشور در برابر چرخه های اقتصادی (کادالا و همکاران^۲، 2023) می شود. نظرات فقهی شیعه در مورد اهمیت اقتصاد در استقرار امنیت فرافردی به عنوان یک ضرورت اجتماعی و دینی به بررسی اصول و قواعدی می پردازد که به حفظ حقوق مالی و اقتصادی افراد در جامعه اسلامی توجه دارد. (لکزایی و حاج زاده، 1393؛ نباتیان، 1400؛ حاج زاده، 1399): در این راستا با تدقیق در متون فقهی می توان به برخی از گزاره های مهم اقتصادی که استقرار امنیت فرافردی را به مخاطره می اندازد اشاره نمود:

ربا، احتکار، کم فروشی، سلطه کفار بر اقتصاد

ربا از محرمات مسلم و اجتماعی در فقه اسلامی است و فقها بر حرمت آن اجماع دارند حتی برخی از فقه های متقدم و متاخر آن را از ضروریات دین دانسته که می توان به نظر صاحب جواهر و مرحوم حر عاملی اشاره نمود: «... ربا حرام است بر اساس آیات قرآن و روایات و اجماع شیعه و بلکه مسلمانان؛ بعید نیست کسی که آن را حلال بداند جز کافران قلمداد شود» (حرعاملی، 1414، ج 18، ص 117 و نجفی؛ 1362، ج 23، ص 332) در زمینه احتکار با نگاهی به آراء فقها نیز می توان به این نتیجه رسید که احتکار موجب اختلال در نظام اقتصادی جامعه شده و در نتیجه امنیت اقتصادی را به خطر می اندازد به همین علت فقها آن را نکوهش و تحریم کرده اند و دولت اسلامی را موظف به برخورد با آن وادار کردند (حائری، 1390، ص 27)

برخی فقها احتکار را مطلقاً حرام دانسته اند و برخی در صورت نیاز به آن کالا حرام دانسته اند، به عنوان نمونه مرحوم خویی^۳ در کتاب تنقیح خود آورده است «در صورت نیاز احتکار حرام است» (خویی، 1383، ج 2، ص 514) و صاحب جواهر^۴ می گوید «احتکار مکروه است...» (نجفی، 1362، ج 22، ص 478)

از دیگر مصادیق افساد در اقتصاد، کم فروشی می باشد که در فقه از آن تعبیر به تطفیف می شود؛ علامه طباطبایی^۵ در تفسیر آیه ۱۸۳ سوره مبارکه شعرا می نویسد «این جملات یعنی جمله وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ، نهی جدیدی است از فساد در ارض، ... ولیکن بعید نیست که از سیاق استفاده

شود که این جمله تفسیر باشد برای نهی سابق، نه نهی جدید و بنابراین احتمال نهی تأکیدی خواهد بود از کم فروشی و خیانت در ترازو داری، چون این نیز مصداقی است از فساد در زمین» (طباطبایی، 1380، ج 10، ص 543)

یکی از مهمترین گزاره های تاثیر گذار در زمینه امنیت اقتصادی فقر می باشد؛ در روایات فقر از اسباب تهدید امنیت به شمار آمده است فقها نیز در کتب خود مطالبی را بر این مهم ابراز داشته اند به عنوان نمونه مرحوم صاحب جواهر^۵ در تعریف فقرا گفته اند فقرا و مساکین کسانی هستند که اموالشان از هزینه سالیانه شان کمتر است (نجفی، 1362، ج 15، ص 296) حضرت امام خمینی^۶ در کتاب خمس خود فرموده اند «...سه سهم دیگر از خمس مال یتیمان و مساکین و ابن السبیل هاست...» (موسوی خمینی، 1379، ج 2، ص 105)

از دیگر عوامل مهم ناامنی اقتصادی و تهدیدات امنیت در نظام اسلامی، خصوصا در برهه کنونی، سلطه و سیطره کافران بر مناسبات اقتصادی نظام اسلامی است؛ زیرا سلطه کافران موجب ولایت آنها بر مسلمانان می شود در حالی که ولایت کافران بر مسلمانان هیچ جا پذیرفته شده نیست. (مراغی، 1417، ج 2، ص 350) به عنوان نمونه تسلط انگلیسی ها بر نفت ایران از سال ۱۲۸۶ به بعد به تدریج از بعد اقتصادی فراتر رفته و تمامی حوزه های زندگی ایرانیان، از سیاست تا فرهنگ را فرا گرفت. خداوند در قرآن کریم به شدت از سلطه کفار بر مسلمانان بر حذر داشته و می فرماید: «خداوند هرگز بر زیان مومنان برای کافران راه تسلطی قرار نداده است» (سوره مبارکه نساء، آیه 141)

در مقابل گزاره هایی که موجب تهدید استقرار امنیت فردی در شق اقتصادی آن می شود، برخی گزاره ها وجود دارد که اهتمام به آنان امنیت اقتصادی را حفظ می نماید که عبارت است از:

عدالت اجتماعی، خمس، زکات، وقف، خودکفایی اقتصادی

فقها از عدالت معنای خاصی را بیان کرده اند، از جمله اینکه «عدالت به معنای اعتدال و میانه روی بر اساس شریعت و در راه فروع دین است» (مشکینی، 1386، ص 369) عدالت اقتصادی یکی از شاخه های عدالت اجتماعی است؛ عدالت اقتصادی به عنوان یک هدف، حالتی را وصف می کند که در آن همه مردم به حق خود از ثروت ها و درآمدهای جامعه دست یافته اند. (میرمعزی، 1402، ص 178)

همچنین خمس و زکات تامین کننده بخشی از منابع مالی نظام اسلامی است و از زمره احکامی است که منجر به تعدیل ثروت افراد در جامعه می شود بدین صورت که نظام اسلامی با الزام ثروتمندان به اختصاص بخشی از اموال خود به فقرا در قالب زکات و خمس، گامی در جهت رفع فقر به عنوان یکی از تهدیدهای اصلی امنیت اقتصادی، سعی می کند توازن اقتصادی لازم در جامعه را برقرار نماید (صدر، 1383، ص 671)

نهاد حقوقی وقف در اسلام نیز نقش مهمی در تبدیل مالکیت های خصوصی به مالکیت های جمعی و عمومی و در نتیجه موجب رشد معنوی افراد و حس جمع گرایی و نوع دوستی می شود (کریمی و پورمند، 1380، ص 68)

هر چند عمل وقف به صورت فردی انجام می شود لکن با توجه به نهادینه شدن وقف در جوامع اسلامی و اهتمام فراگیر به آن، در حقیقت به نهادی پایدار در جامعه اسلامی تبدیل شده است.

خودکفایی اقتصادی و جلوگیری از سلطه دیگران از عوامل تحفیظ کننده امنیت اقتصادی در جامعه است؛ به همین منظور است که فقهای شیعه همچون میر عبدالفتاح مراغی سلطه کافران بر مسلمانان را از مبطلات عقود برشمرده اند. (مراغی، 1417، ج 2، ص 350)

با توجه به اهمیت مولفه اقتصاد در استقرار امنیت فرافردی در جامعه، ضروریست حاکمان اسلامی به مقابله با گزاره هایی که امنیت اقتصادی را به مخاطره می اندازد پرداخته و با عاملین آنها برخورد نمایند از آن سو تمام تلاش خود را بر پیاده سازی گزاره های حافظ امنیت در حوزه اقتصادی معطوف نمایند. علاوه بر این حاکمان موظف اند برای رسیدن به امنیت اقتصادی پایدار نیز اقداماتی را در سطح جامعه انجام داده که به اهم آنها اشاره می گردد.

رعایت و تضمین حقوق اقتصادی و تامین نیازهای عمومی افراد

حاکمان اسلامی موظف هستند حقوق اقتصادی مشروع افراد را به رسمیت بشناسند. به این بیان که اگر فعالیت و مال افراد در جامعه اسلامی محترم دانسته شوند و قواعد متعدد این احترام را تضمین نماید انگیزه افراد برای کار و کسب ثروت افزایش یافته و در نتیجه امنیت اقتصادی فراهم خواهد شد.

مرحوم کاشف الغطاء در کتاب تحریرالمجله اداره امور عمومی مردم را از باب حفظ نظام بر عهده حاکم دانسته است، همچنین حضرت امام خمینی^۷ بیع وقف عام را از آن رو که متعلق به مصالح عامه است بر عهده حاکم دانسته اند و نه متولی منصوب؛ فلذا با مشاهده نظرات فقها می توان به این نتیجه رسید که تامین نیازهای عمومی مردم و حفظ حقوق مشروع اقتصادی آنان مصداق «فی سبیل الله» بوده و منجر به حفظ امنیت اقتصادی می گردد.

وضع احکام ثانویه توسط ولی فقیه

منظور از وضع عناوین ثانویه این است که چنانچه ولی فقیه ملاحظه نماید که عمل به احکام اولیه سبب اختلال در معیشت مردم می شود می تواند با احراز عناوین ثانویه نظیر حفظ نظام، رفع حرج و... به تأمین امنیت اقتصادی مردم مبادرت ورزد، در همین خصوص حضرت امام خمینی ره در پاسخ به درخواست مجلس شورای اسلامی مبنی بر تصویب قوانین ضروری برای جامعه چنین پاسخ داده اند که: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد، که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می شود، و آنچه ضرورت دارد که، ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است، و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از آن خود به خود لغو می شود، مجازند در تصویب و اجرای آن...» (امام خمینی، 1396، ج 3، ص 509)

نظارت بر بازار و مجازات متخلفان

یکی از وظایف مهم حکومت ها در نظام اسلامی نظارت بر بازار و مجازات متخلفان است تا به این واسطه بتوانند از تخلفات احتمالی جلوگیری نموده و امنیت را در جامعه فراهم آورند، با بررسی سیره ائمه معصومین علیهم السلام می توان توجه ایشان به این مهم را مشاهده نمود، به عنوان نمونه حضرت امیرالمومنین علیه السلام به صورت روزانه از بازار مسلمین سرکشی نموده و نظارت داشتند. با توجه به اصول فقهی و قواعد مرتبط، می توان نتیجه گرفت که تأمین امنیت اقتصادی نه تنها یک ضرورت اجتماعی بلکه یک وظیفه دینی نیز محسوب می شود که باید در سیاست گذاری های عمومی مورد توجه قرار گیرد. علت غایی و هدف نهایی از طرح مباحث اقتصادی در الگوی امنیت فرافردی عبارت است از حفظ معیشت و زندگی مردم؛ به عبارت دیگر کلیه تمهیداتی که در فقه برای تنظیم بازار، پیش بینی مشاغل واجب و حرام و... ارائه شده است با هدف حفظ معاش انسان ها، نیازهای عمومی جامعه و امنیت روانی در بعد مادی و اقتصادی زندگی است تا از این طریق حفظ بیضه الاسلام محقق شود.

مولفه «عدالت قضایی» در استقرار امنیت فرافردی

یکی دیگر از مولفه های عملی در استقرار امنیت فرافردی مسئله قضا و عدالت در رسیدگی به منازعات مسلمین و در یک معنا اطمینان خاطر افراد جامعه از احقاق حقوق خود می باشد. این موضوع که ابعاد گوناگونی را با هدف حفظ یکپارچگی فرایند قضایی و عدالت در تحفظ حقوق افراد درون آن در بر می گیرد منجر به حفظ اعتماد عمومی به نظام حقوقی و اطمینان از اداره عدالت بدون نفوذ یا تهدید می باشد که از آن تعبیر به امنیت قضایی می شود. امنیت قضایی به پیش بینی پذیری، ثبات و وضوح قوانین حقوقی اشاره دارد و اطمینان حاصل می کند که قوانین به طور مداوم شناخته شده، درک و اعمال می شوند. همچنین بر اهمیت متون قانونی روشن برای جلوگیری از ابهام و حفظ اعتماد به نظام حقوقی تأکید دارد (کیانگاریو، 2020).

نظرات فقهای شیعه در مورد امنیت قضایی به بررسی اصول و قواعدی می پردازد که به حفظ حقوق افراد و تأمین عدالت در نظام قضایی مربوط می شود. فقهای شیعه امنیت قضایی را حالتی می دانند که در آن، حیثیت جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون قرار دارد و از تعرض مصون است. این مفهوم به معنای وجود یک نظام قضایی مستقل و عادلانه است که بتواند حقوق افراد را تأمین کند. (نباتیان، 1400؛ حاج زاده، 1399) اگر نظام قضایی نتواند به شکایات رسیدگی کند، عدالت از جامعه رخت برمی بندد و این موضوع منجر به هرج و مرج و در نتیجه نا امنی عمومی خواهد شد.

با بررسی متون فقهی در موضوع قضا گزاره هایی مشاهده می شود که نتیجه آن، مخاطره انداختن عدالت قضایی و در نتیجه عدم استقرار امنیت فرافردی می شود که اهم آن ها در ادامه اشاره می گردد:

تبعیض در قضاوت، عدم عملکرد قاطع و به موقع نظام قضایی، عدم تناسب جرم با جنایت

تبعیض در رسیدگی قضایی به دعاوی مردم، یکی از نکات پر اهمیتی است که برخی فقها عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی را یک قاعده فقهی در نظر گرفته اند. (شریعتی، 1382، ش 21) مراد از تبعیض، عدم مساوات در برابر قانون، عدم برابری طرفین دعوا در برابر محاکم قضایی و همچنین عدم تساوی در برخورداری از حقوق و امتیازات مالی و غیر مالی دولتی است. (منتظری، 1380، ص 268)

همچنین از آنجایی که یکی از اهداف عدالت در نظام قضایی، حس امنیت در اذهان مردم است، عملکرد نادرست یا دیر هنگام دستگاه قضایی نمی‌تواند امنیت آفرین باشد، به بیان دیگر روند رسیدگی به دعاوی در محکمه‌های قضایی باید به نحوی باشد که همواره رسیدگی و صدور حکم در زمان و موقعیت مناسب صورت گیرد.

در راستای اجرای عدالت قضایی یکی از مباحث مهم در حوزه فقه و حقوق تناسب کیفر با جرم ارتكابی است، نگاه به ابواب حدود تعزیرات و قصاص در کتب فقهی به خوبی این مطلب را نشان می‌دهد که عدم تناسب جرم با جنایت ارتكابی منجر به از بین رفتن آرامش مردم و در نتیجه عدم امنیت در جامعه می‌شود؛ به همین دلیل است که نوع نگاه اسلام به جرمی همچون قتل، نگاهی فراگیر و به مثابه نابودسازی بشر است و نه صرفاً یک فرد، خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید «هر کس فردی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است» (سوره مبارکه مائده؛ آیه ۳۲) قاضی در امر قضاوت، در تطبیق جرایم ارتكابی بر قوانین شرعی و نوع مجازات برای آن جرم، موظف است دچار لغزش یا فساد نشود، در این خصوص دست قاضی در ایجاد این تناسب از موضوع جرم گرفته تا مجازات باز است، و موظف است تناسب را رعایت نماید، بنابراین این تناسب زمینه تامین امنیت قضایی در جامعه را فراهم نموده و عدم آن، عدم امنیت قضایی را در پی خواهد داشت.

پس از بیان گزاره‌های مخاطره آمیز در امنیت قضایی، پاره‌ای قواعد مهم به منظور تحفظ امنیت قضایی در متون فقهی مشاهده می‌شود که از نگاه نگارنده نقش مهم در استقرار امنیت فرافردی دارد که عبارت است از:

انتصاب قاضی واجد شرایط، قاعده عدالت معاوضی، لزوم بی‌طرفی قاضی و برابری اصحاب دعوا

شخص قاضی در متون و نصوص دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به دلیل نقش موثر شخص قاضی در امر قضا و تامین امنیت جامعه و حساسیت آن، اغلب فقها در ابواب گوناگون فقه شروط و صفاتی را برای قاضی برشمرده‌اند، صفاتی که قالب فقها بر آن اتفاق نظر دارند عبارتند از: بلوغ (شهید ثانی، 1410، ص 73)، کمال عقل، مرد بودن، ایمان، علم داشتن (نجفی، 1362، ج 40، ص 12 و 15)، عدالت، ثبوت ولایت برای قاضی ماذون (محقق حلی، 1408، ج 4، ص 60 و 67)، پاکزاد بودن (موسوی اردبیلی، 1381، ج 1، ص 15)، عدم فسق، (حرعاملی، 1414، ج 17، ص 362) استقلال قاضی (منتظری، 1380، ص 267)

یکی دیگر از گزاره‌های امنیت ساز، قاعده عدالت معاوضی است، این قاعده به معنای حاکمیت اراده، منع مداخله دولت در قراردادهای خصوصی و عادلانه دانستن مفاد هر نوع توافق است. طرفین قرارداد، بهترین قاضی منافع خویش بوده و تصمیمات آنها قانونی و لازم‌الاجرا است.

این قاعده بر اساس اصل عادلانه بودن مفاد قراردادها تأکید دارد و هدف آن تحقق عدالت در معاملات خصوصی است. بر این اساس، هر قراردادی که منجر به ظلم یا تضییع حقوق شود، مردود است.

یکی از شاخصه‌های عدالت قضایی و به تبع آن امنیت قضایی، میزان توجه به برابری اصحاب دعوا در دادرسی است؛ چه آنکه نابرابری طرفین دعوا ضمن آنکه موجب تضییع حق افراد میشود، زمینه بیاعتمادی آنها نسبت به دستگاه قضایی را فراهم می‌کند. به همین سبب است که در روایات، اصحاب دعوا حتی در نگاه و اشاره قاضی برابر دانسته شده‌اند. (شهید ثانی، 1410) برابری افراد در دادرسی بدین معناست که آنچه در ظاهر موجب امتیاز افراد از یکدیگر می‌شود، مانند رنگ، زبان، نژاد، مذهب، ملیت و وابستگی‌های حزبی موجب تبعیض و تمایز اصحاب دعوا در دادرسی نشود (ابن علی، 1631)

قاضی باید بدون هیچ گونه تعصب یا پیش‌داوری، به بررسی پرونده‌ها بپردازد. اصل بی‌طرفی یکی از الزامات اساسی برای تحقق عدالت قضایی است و قانون اساسی ایران نیز بر این نکته تأکید دارد. (مسعودیان، 1398)

همواره حاکمان اسلامی علاوه بر آنکه موظف هستند از عواملی که منجر به از بین رفتن عدالت قضایی می‌شود اجتناب نمایند، شایسته است بر گزاره‌هایی که منجر به حفظ امنیت قضایی مباد شود اهتمام داشته باشند علاوه بر آن برای اینکه حکومت اسلامی بتواند استقرار امنیت قضایی را پیاده سازی نموده و دادخواهی عادلانه برای شهروندان را تضمین نماید، ضروریست اقداماتی را برای تامین حقوق قضایی افراد فراهم آورد که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

انتصاب قضات دارای شرایط و صفات خاص

نکته حائز اهمیت در نصب قضات مشروع ماذون بودن یا تفویض اختیار از سوی امام معصوم به اوست لذا بنا به اجماع فقهای امامیه رجوع به قاضی حاکم جائز حرام می‌باشد، بر همین اساس فقیه گرانقدر سید محمد باقر صدر (و) در نظریه موسوم به دولت خود اصالت را به خلافت مردم می‌دهد و قوه قضاییه را به عنوان تنها نهادی که خارج از محدوده خلافت مردم است در ذیل نهاد مرجعیت قرار می‌دهد (کدیور، 1397، ص 166) بر همین

اساس فقهای امامیه حتی در شرایط پذیرش تقیه و تحت خلافت جور نیز به تحریم قضاوت هر شخصی غیر از فقیه جامع از شرایط فتوا داده‌اند (پورسعید، 1398، ص 80)

تدوین سازوکارهای اجرای عدالت قضایی

با بررسی کتب فقهی می‌توان به این نتیجه رسید که به منظور اجرای دقیق عدالت در نظام حقوقی و قضایی جامعه مجموعه‌ای از سازوکارها و ابزارهای تحقق آن، پیش بینی گردیده است که اهم آن عبارت است از:

اصل قبح عقاب بلا بیان: بر اساس این اصل فقهی، مادامی که عملی توسط شارع مقدس نهی نشده است و آن نهی به مخاطب واصل نشده است چنانچه فرد مرتکب عملی گردد، مجازات او عقلاً قبیح و زشت است. (محقق داماد، 1403، ج 4، ص 13)

اصل رافعیت جهل به حکم شرعی: مطابق این اصل فقهی جهل به حکم شرعی عذر موجه محسوب شده و رافع مسئولیت است؛ البته جهل به حکم از علل موجه مسئولیت نیست به عبارت دیگر چنین نیست که در فرض جهل جرمی اتفاق نیفتد بلکه در این حالت، صرفاً شخص جاهل محاکمه نمی‌شود فلذا علم شرط تنجز تکلیف است نه شرط فعلیت آن و چون در فرض جهل، تکلیف منجز نیست مجازاتی در پی ندارد و جاهل معذور محسوب می‌شود. (محقق داماد، 1403، ج 4، ص 16)

اصل احترام به حقوق قلیت‌های ساکن در حکومت اسلامی: مرحوم علامه حلی علت عمل به قوانین اسلام در دعوای مسلمان و کافر ذمی را حفظ مسلمانان از ظلم ذمی و نیز حفظ ذمی از ظلم مسلمان دانسته است. (علامه حلی، 1400، ج 9، ص 386)

پیش بینی تمهیدات به منظور کشف حقیقت: بر اساس احکام فقهی کشف حقیقت به عنوان عاملی برای ایجاد امنیت قضایی از جایگاه والایی برخوردار است، برخی از این تمهیدات عبارتند از: وجوب شهادت دادن در محکمه (موسوی قزوینی، 1424، ج 2، ص 273)، به کارگیری کارشناس در رسیدگی به دعوا (موسوی اردبیلی، 1397، ج 1، ص 303) جواز تشریح میت به منظور کشف حقیقت (خامنه‌ای، 1400، ص 284) ساز و کار تقاض (حسینی عمیدی، 1416، ج 3، ص 97) ولی قرار دادن قاضی در دعوای خاص (مکارم شیرازی، 1402، ج 2، ص 55) و شرایط شهود (مرتضی اردکانی، 1370، ص 5)

حفظ حقوق طرفین دعوا

در کتب فقهی علاوه بر حفظ حقوق کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند، حقوق مظنونین به اتهام و مجرمین مستحق مجازات در نظر گرفته شده است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

برقراری امکان دفاع برای ستمگر، جلوگیری از بلامتکلیف گذاشتن مجرم با تبیین دقیق جرم و مجازات (طباطبایی حائری، 1413، ج 16، ص 166)، قاعده درء (الحدود تدراء به الشبهات) (فاضل آبی، 1408، ج 2، ص 549)، لزوم اقامه حدود و اجرای مجازات توسط فقیه و یا معزونی از سوی او، پذیرش اعسار اشخاص (شیخ طوسی، 1400، ص 559)

با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان به این نتیجه رسید که هدف از امنیت قضایی مانند سایر موضوعات امنیت فراقدری، تأمین امنیت روانی جامعه و برقراری نظم پایدار است تا از این رهگذر امکان تحقق اهداف والای اسلام در بستر جامعه فراهم گردد امنیت قضایی نه تنها برای حفظ حقوق فردی ضروری است بلکه برای ایجاد ثبات اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و اعتماد عمومی به نظام قانونی نیز اهمیت دارد. لذا توجه جدی به این مقوله باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های کلان قرار گیرد تا جامعه‌ای عادلانه، امن و پایدار برای همه شهروندان فراهم شود.

مولفه «انتظام درون حکومتی» در استقرار امنیت فراقدری

از دیگر مصادیق استقرار امنیت فراقدری، انتظام در درون حکومت‌های اسلامی که از آن تعبیر به امنیت داخلی نیز می‌شود. این نوع از امنیت به اقدامات و سیستم‌های اجرا شده توسط نیروهای امنیت داخلی (پلیس، دستگاه‌های اطلاعاتی و...) برای اطمینان از امنیت عمومی و حفظ نظم در درون جوامع اطلاق می‌شود. این مفهوم شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها، از اجرای مستقیم قانون گرفته تا استفاده از فناوری و سیستم‌های ارتباطی می‌باشد (جاورسکی⁴، 2023).

انتظام درون حکومتی یا امنیت داخلی از دیدگاه فقهای شیعه موضوعی پیچیده و چندوجهی است که به تأمین نظم و امنیت در درون جامعه اسلامی می‌پردازد. این مفهوم در فقه امامیه به عنوان یکی از الزامات اساسی زندگی انسان‌ها مطرح می‌شود. (نباتیان، 1400؛ حاج زاده، 1399):

انتظام درون حکومتی به معنای حفظ نظم و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه است. این مفهوم در فقه شیعه به عنوان یک اصل اساسی برای پایداری نظام اجتماعی شناخته می‌شود. فقها بر این باورند که هر اقدامی که منجر به اختلال در نظم عمومی شود، نامشروع است (مشعشی و همکاران، 1403)

این مولفه به عنوان یکی از عینی ترین عوامل در استقرار امنیت فرافردی به حساب می‌آید، در فقه شیعه گزاره‌هایی وجود دارد که انتظام درون حکومتی و امنیت داخلی را به خطر می‌اندازد که نگارنده اهم آنها را انتخاب نموده است.

بغی، محاربه، جاسوسی، منافقین

صاحب جواهر^۱ در توضیح بغی می‌فرماید بغی به معنای تجاوز از حد و ظلم و برتری طلبی و در اصطلاح شرعی به معنای خروج از اطاعت امام عادل است. (نجفی، 1362، ج 21، ص 322) همچنین شیخ طوسی^۲ در توضیح بغ و باغی می‌فرماید هر کس که بر امام عادل خروج کند و بیعتش را بشکند و در دستورهایش با او به مخالفت برخیزد باغی است. (طوسی، 1400، ص 297)

با بررسی نظرات فقها در خصوص بغی می‌توان به این نتیجه رسید که احکام شرعی راجع به دفع بغی و حدود سرکوبی آنان و حد و مرز وجوه و حرمت در روند مبارزه با باغیان منجر به حفظ کیان حکومت و تامین امنیت عمومی مردم است.

یکی دیگر از مباحث مهم در راستای تامین امنیت داخلی حکومت‌های اسلامی، مقابله با محارب، تعیین مجازات‌های بازدارنده برای آن است؛ امام خمینی^۳ در تحریرالوسیله نیز در تبیین مفهوم محارب علاوه بر ترساندن مردم، تجهیز جهت ترساندن را از مصادیق محاربه قلمداد نموده‌اند. (امام خمینی، 1379، ج 2، ص 492)

بنابراین آنچه در این موضوع نیز حائز اهمیت است نتیجه محاربه و آن به خطر انداختن امنیت جامعه و اخلال در نظم امور می‌باشد. جاسوسی سومین گزاره مهم مخاطره آمیز است، احکام فقهی جاسوسی و ضوابط فقهی ناظر بر آن بیانگر تاکید فقه در مقابله با این موضوع است فردی که علیه حکومت اسلامی هم احساس ناامنی را در جامعه می‌پروراند و هم در فضای عینی امنیت داخلی را به خطر می‌اندازد (آخوندی و کمیلی خراسانی، 1378، ص 1) برخی از فقها با تمسک به آیه وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (سوره مبارکه انفال؛ آیه ۶۳) و برخی روایات و قواعد فقهی نظیر قاعده حفظ نظام به اعدام جاسوس دشمن حکم داده‌اند و برخی دیگر حکم زندانی نمودن جاسوس را مقرر کرده‌اند. عملاً جاسوس در واقع در لباس شهروند عادی برای دستیابی به اطلاعات محرمانه و سری مسلمانان به دشمنان خدمات ارائه می‌دهد و امنیت مسلمان را به خطر می‌اندازد.

آخرین گزاره تهدید کننده انتظام درون حکومتی و امنیت داخلی منافقین می‌باشند، از صدر اسلام منافقین نقش مخرب در ناامن کردن بلاد اسلامی را داشته‌اند به طوری که سوره‌ای مستقل در قرآن کریم به بیان اوصاف مذموم آنان اختصاص یافته است به علت نقش مخرب منافقان خداوند در هر جای قرآن که نامی از آنان برده است به شدیدترین عذاب‌ها انداز داده است (سوره مبارکه نسا آیه ۱۴۲ و ۱۳۸) بنابراین منافقان هم نفس و جان مردم را تهدید می‌کنند و هم دین و اعتقادات آنها را؛ در واقع منافق با تظاهر به به دینداری از عوامل اصلی ناامنی سیاسی در نظام اسلامی شمرده شده و چون در لباس دوست وارد معرکه منازعه می‌شود، بیشترین تاثیر مخرب را در امنیت داخلی جامعه می‌گذارد (هاشمی شاهرودی، 1382، ج 1، ص 440)

در کنار عواملی که امنیت داخلی و نظم درون حکومتی را به خطر می‌اندازد پاره ای گزاره های فقهی وجود دارد که امنیت را در درون حکومت ها حفظ می نماید که اهم آنها عبارت است از:

برقراری عدالت، اجرای ساختار شورا و مشارکت، قاعده حفظ نظام، بطانه و تجسس از دشمن

امنیت در پرتو عدالت جستجو می‌شود، در اندیشه اهل بیت^۴ نوعی تلازم میان عدالت و امنیت در جامعه وجود دارد یعنی زمینه اجرای عدالت وجود امنیت است و بستر تحقق امنیت، همانا عدالت است (مطهری، 1395، ص 93) اهمیت عدالت از دیدگاه فقها تا آن حد بالا است که برخی از ایشان نظیر میر عبدالفتاح مراغی در فتاوی خود عدالت را ملاک حکم نیز قرار داده‌اند (مراغی، 1417، ج 2، ص 726)

یکی از راهکارهای برقراری امنیت داخلی عملیاتی نمودن ساز و کار شور و مشورت در نظام اسلامی است شورا بیانگر تبادل نظر برای رسیدن به بهترین نظر است این را می‌توان در مقابل مفهوم استبداد قلمداد نمود؛ شهید مطهری^۵ در اهمیت شورا و مشورت می‌گوید: شورا و مشارکت سیاسی راهی است که امت از اندوخته‌ها و نظرات فرزندان خود استفاده کند و محروم کردن مردم از نظر، ظلم و اضرار به آنهاست (مطهری، 1376، ج ۲۱، ص ۳۲۷) وقتی که ساز و کار مشارکت و مشورت در درون نظام اسلامی وجود داشته باشد و مردم خود را در تصمیم گیری‌ها شریک بدانند این موضوع به خودی خود امنیت ساز می‌باشد.

یکی دیگر از گزاره‌های فقهی در موضوع امنیت و انتظام نظام اسلامی قاعده فقهی موسوم به حفظ نظام است؛ مراد از حفظ نظام، حفظ آراستگی و انسجام درونی جامعه و نهادهای آن از هرج و مرج و ناامنی است، این تعریف ارتباط معقول و منطقی میان ساختارهای حکومت را مدنظر دارد. قاعده حفظ نظام از جمله قواعدی است که اساساً عقل بشر بر آن تاکید کرده و آن را واجب دانسته است در اندیشه فقها و آثار فقهی حفظ امنیت نظام اسلامی مقدم بر هر چیز دانسته شده است حتی حفظ نفس آن هم تحت حکومت حاکم جائز؛ از جمله این فقها مرحوم شیخ انصاری (و) بوده که حفظ و اقامه نظام را از واجبات مطلقه دانسته است (انصاری، 1389، ص 63) صاحب جواهر نیز حفظ نظام را از اهم واجبات می‌داند (نجفی، 1362، ج 21، ص 395) امام خمینی (و) نیز در این خصوص می‌فرمایند بزرگترین فریضه بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است (امام خمینی، 1379، ج 15، ص 329)

بطانیه دیگر گزاره مهم وضوری در این شق از امنیت است، علی‌رغم حرمت تجسس در در حوزه خصوصی مسلمانان (تمیمی آمدی، 1401، ج 3، ص 318) در صورتی که حفظ نظام اقتضا نماید این تجسس به عنوان سازوکاری برای تامین امنیت جامعه و نظام اسلامی مجاز شده است؛ در برخی متون فقهی از موضوع نهادهای اطلاعاتی تحت عنوان بطانیه یاد شده است (قرشی، 1371، ج 1، ص 202) بطانیه در اصطلاح به معنای شیوه رازداری و اصول اطلاعات و ضد اطلاعات است (ابوالفضل شکوری، 1377، ص 295)

برای اینکه حکومت اسلامی بتواند در تامین امنیت داخلی و انتظام درون حکومتی نقش موثر ایفا نماید موظف است گزاره‌هایی که منجر به برهم خوردن نظم داخلی جامعه می‌شود را ترک و بر گزاره‌های حفظ‌کننده تاکید نماید علاوه بر آن شایسته است به عواملی تمسک نماید که زمینه ساز نظم عمومی در جامعه باشند اهم این عوامل ذیلاً به اختصار بیان خواهد شد.

تشریح مصادیق حدود و تعزیرات

یکی از علل و عوامل برقراری نظم و انضباط در جامعه تشریح مصادیق حدود و تعزیرات برای عموم مردم است (محمد یزدی، 1415، ج 2، ص 309) با توجه به اینکه مجرمان به دلیل ارتکاب جرم و جنایت مجازات می‌شوند باید نظام اسلامی مصادیق آن جنایات را ذکر نموده و مجازات هر یک را تشریح نماید.

از جمله مصادیق حدود که به برقراری نظم و انضباط اجتماعی می‌انجامد می‌توان به محاربه، افساد فی الارض، سرقت و... اشاره نمود همچنین در خصوص مجازات‌های تعزیری فقها بر این نظر هستند که تنظیم مقررات و جرائمی به منظور استقرار نظم در جامعه و دفع ایزای مسلمانان بر حاکمان نظام اسلامی لازم است. (موسوی گلپایگانی، 1414، ج 3، ص 213) به عنوان نمونه محقق حلی (و) در ابتدای کتاب الحدود و التعذیر، بغی را یکی از اسباب تعذیرات شرعی قلمداد نموده است. (محقق حلی، 1408، ص 136)

جواز اقامه حدود در جامعه

در خصوص اقامه حدود دو نظریه کلی جواز و حرمت اقامه حدود وجود دارد. یکی از ادله‌ای که قائلان به جواز اجرای حدود ارائه کرده‌اند وجوب برقراری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است که از راه اقامه حدود امکان‌پذیر است (امام خمینی، 130، ص 68) همچنین فقها بر لزوم اجرای حدود توسط حکومت به دلیل قاعده نظم تاکید کرده‌اند.

توجه به جنبه عمومی جرایم ارتكابی

یکی از عواملی که حکام اسلامی موظف به اجرای آن می‌باشند، مجازات مجرم به علت خدشه وارد نمودن به امنیت عمومی مردم است که از آن تعبیر به جنبه عمومی جرم می‌شود. به عنوان نمونه اصل اولی بر آن است که قتل با درخواست اولیای دم قابل پیگیری است و بدون درخواست آنها حکومت تکلیفی به پیگیری آن ندارد اما اگر مصلحت نظام و حفظ امنیت اقتضا کند قاضی می‌تواند بدون درخواست اولیای دم اقدام به پیگیری و رسیدگی نماید. (محمد فاضل لنکرانی، 1425، ج 2، ص 27)

پیش‌بینی امکان ایجاد نهاد های امنیتی انتظامی

یکی از احکامی که می‌تواند در جهت تحقق امنیت و انتظام درون حکومتی نظام اسلامی تاثیرگذار باشد تجویز استخدام محافظان و قشون است (علامه حلی، 1400، ج 12، ص 189) در همین راستا است که در نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نیروهای مسلح، دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی متعددی نیز تشکیل گردیده است.

مولفه «امنیت ملی» در استقرار امنیت فرافردی

مصادق مهم و اساسی در بین مصادیقی که به حفظ بیضه الاسلام می انجامد توجه به موضوع امنیت ملی می باشد؛ امنیت ملی به عنوان یک مفهوم کلیدی در سیاست و روابط بین الملل، به مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌ها اشاره دارد که هدف آن حفظ بقای دولت و ملت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. مفهوم امنیت ملی ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد اما به طور رسمی پس از جنگ جهانی دوم و با تأسیس نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

امنیت ملی به معنای توانایی یک کشور برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی خود، شامل حاکمیت، سرزمین و مردم در برابر تهدیدات مختلف است. این تهدیدات می‌توانند نظامی، اقتصادی یا سیاسی باشند. امنیت ملی همچنین شامل استفاده از قدرت نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک برای مقابله با این تهدیدات است (سینگ⁵، 2015).

امنیت ملی در دو بُعد قابل بررسی است:

بُعد داخلی: این بُعد به مقابله با تهدیدات داخلی علیه امنیت بلاد اسلامی اشاره دارد که سابقاً در گفتاری مجزا در قالب امنیت انتظامی-داخلی مورد بررسی قرار گرفت

بُعد خارجی: این بُعد به پاسداری از سرزمین و حاکمیت کشور در برابر تهدیدات خارجی معطوف است. به عبارت دیگر، امنیت ملی در این بُعد به معنای جلوگیری از حملات نظامی و خرابکاری‌های مسلحانه است. (نباتیان، 1400؛ حاج زاده، 1399):

از آنجایی که امنیت ملی به معنای حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت، و منافع عمومی یک کشور است در فقه شیعه به عنوان یک اصل اساسی مطرح گردیده است. بررسی این موضوع به دلیل چالش‌های امنیتی کنونی در کشورهای اسلامی و تأثیر آن بر پایداری نظام‌های سیاسی و در یک کلام حفظ بیضه الاسلام، ضروری است.

با دقت در متون فقهی، گزاره‌هایی مشاهده می‌گردد که در صورتی که با آن‌ها مقابله نشود امنیت ملی کشور اسلامی به شدت به خطر می‌افتد از نگاه نگارنده موارد زیر اهم آنها می باشد:

دارالحرب، نفوذ، تضعیف وحدت ملی

دارالحرب به سرزمین‌ها و کشورهای گفته می‌شود که خارج از قلمرو و حاکمیت اسلام هستند و احکام اسلام در آنها جاری نمی‌شود و حاکمیت در آن با قانون غیر الهی است بسیاری از فقها ملاک در صدق عنوان دارالحرب را حاکمیت کفار و اجرای احکام غیر الهی دانسته‌اند (زنجانی، 1377، ج 3، ص 260) شهید اول⁶ معنای دارالحرب را با دارالکفر یکسان دیده است و گفته است دارالکفر سرزمینی است که در آن احکام کافران اجرا می‌شود و مسلمانان در آن سکونت ندارند (شهید اول، 1417، ج 3، ص 78) البته برخی از فقها دارالحرب را شامل کشوری می‌دانند که در حال جنگ و خصومت با اسلام و مسلمانان است (منتظری، 1409، ج 8، ص 416)

یکی دیگر از گزاره‌ها نفوذ اجانب در داخل بلاد اسلامی می باشد؛ نفوذ قدرت‌های خارجی یا گروه‌های غیرمسلمان به داخل کشور می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی باشد. فقه اسلامی بر لزوم حفظ استقلال و تمامیت ارضی تأکید دارد و هرگونه رابطه سلطه‌آور با کفار را ممنوع می‌داند است (نباتیان و همکاران، 1395) یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی مرتبط با نفوذ، قاعده "نفی سبیل" است که به معنای جلوگیری از تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان است. این قاعده تأکید دارد که هیچ‌کس نباید بر مسلمانان تسلط یابد و این موضوع در فقه امنیتی اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

تضعیف وحدت ملی نتیجه اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی است که منجر به تفرقه در جامعه می‌شود، این گزاره نیز می‌تواند امنیت ملی را تهدید کند. فقه اسلامی بر اهمیت وحدت مسلمانان تأکید دارد و هرگونه اقدام تفرقه‌افکنانه را مذموم می‌داند (فرزندی، 1399)

همان گونه که گزاره‌هایی امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد، عواملی منجر به حفظ آن می‌شود، از میان عوامل زیادی که در این خصوص وجود دارد نگارنده موارد ذیل را برگزیده است:

حفظ مرزها، حفظ استقلال نظام اسلامی، صلح، مقابله به مثل

یکی از مفاهیم فقهی در خصوص حفظ کیان سرزمین‌های اسلامی، مرزبانی یا مرابطه است. صاحب جواهر⁷ در معنا و مفهوم مرابطه می‌گویند: مرابطه کمین کردن و رصد کردن و حفاظت از مرزها در برابر تهاجم مشرکان است. (نجفی، 1362، ج 21، ص 38) مرابطه در اسلام به منظور حفظ و حراست و نگهداری «ثغور» سرزمین اسلامی منظور شده است (زنجانی، 1377، ج 1، ص 251)

در فقه گزاره ای با عنوان حفظ استقلال نظام اسلامی یا قاعده نفی سبیل وجود دارد؛ مراد از این قاعده این است که خداوند سبحان در تشریع احکام اسلامی، حکمی را که به واسطه آن سلطه و برتری کافر بر مسلمان تثبیت گردد، جعل نکرده است. (موسوی بجنوردی، 1377، ج 1، ص 162) شرافت و عزت سلام ایجاب می‌کند در احکام و مقررات خود حکمی وضع نکند که موجب ذلت و خواری مسلمانان در برابر کفار شود (شریعتی، 1382، ص 217)

یکی دیگر از گزاره های حفظ کننده امنیت ملی صلح است، بر اساس این گزاره فقهی فقها اصل را بر صلح و سازش با دیگران می‌دانند البته در مواردی جنگ ضرورت دارد (شریعتی، 1382، ص 383) بهره‌گیری از این قاعده در مناسبات با دولت‌های گوناگون می‌تواند زمینه‌ساز امنیت ملی شود.

قاعده مقابله به مثل نیز از جمله قواعدی هست که فقها در موارد مختلفی نسبت به آن فتوا داده‌اند مواردی نظیر ضمان غصب و تلف، تقاص و مماثلت در قصاص و همچنین مقابله به مثل در رویارویی با سایر کشورها؛ بر این اساس است که دفاع مشروع نیز بر مبنای همین قاعده جاری می‌گردد (عمیدزنجانی، 1377، ج 3، ص 61)

از آنجایی که مطابق آموزه‌های اسلامی حفظ کیان نظام از اوجب واجبات است. فقها علل و عوامل مختلفی را در به مخاطره انداختن و نیز عوامل مختلفی در ایجاد و حفظ امنیت ملی برشمرده‌اند بر همین اساس حکومت‌ها موظف هستند ساز و کارهای عملیاتی آن به منظور اجتناب از عوامل مخاطره آمیز و نیز اهتمام به عوامل حفظ کننده امنیت ملی را پیاده‌سازی نموده و امنیتی پایدار در بلاد اسلامی را رقم بزنند. علاوه بر آن وظایف دیگری نیز دارند که از نگاه نگارنده نقش موثرتری در برقراری امنیت فرافردی دارد که به اختصار به توضیح آن خواهیم پرداخت:

گسترش مفهوم جهاد در جامعه

یکی از عوامل اساسی در حفظ امنیت ملی و نظامی جهاد می‌باشد در اصطلاح جهاد عبارت است از بذل جان و مال در راه خدا در نبرد با کافران و دشمنان یا بذل جان، مال و توان خود در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر آن (نجفی، 1362، ج 21، ص 3) با بررسی کتب فقهی به این نتیجه می‌رسیم که فقها بابتی از کتب خود را به این موضوع اختصاص داده و در بیان احکام آن برآمده‌اند. جهاد به دو قسم جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم می‌گردد، جهاد ابتدایی عبارت است از مبارزه با مشرکان و کفار برای دعوت آنان به اسلام (منتظری، 1409، ج 1، ص 223) و جهاد ابتدایی عبارت است از دفاع مسلمانان در هنگام حمله دشمنان به منظور حفظ بیضه الاسلام (علی مشکینی، 1386، ص 227) برای اینکه امنیت ملی در نظام اسلامی پایدار باشد باید دولت‌ها همواره به گسترش مفهوم جهاد بپردازند.

تقویت قوای نظامی کشور

از دیگر عوامل مهم تامین امنیت ملی و نظامی در حکومت اسلامی تقویت بنیه دفاعی است این موضوع به این علت است که پایداری دولت‌ها و ملت‌ها به قدرت نظامی ایشان بستگی دارد لذا کشوری که از لحاظ نظامی قوی‌تر باشد بهتر می‌تواند امنیت ملی خود را حفظ نماید (منتظری، 1380، ج 5، ص 388) لذا امیرالمومنین (علی) در نامه خود به مالک اشتر نخعی فرمودند نظامیان با اجازه خدا نگهبان رعیت، زیور حکومت، عزت اسلام، سبب امنیت و حفاظت ملت هستند (بروجردی، 1388، ج 22، ص 621)

راه اندازی سازمان های اطلاعاتی

همان گونه که در مولفه انتظام درون حکومتی ذکر گردید یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها در حفظ امنیت ملی خود، تشکیل ساز و کار تجسس از دشمن است؛ تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی به منظور اقدام اطلاعاتی علیه دشمنان نظام از اهم ضروریات حکومت داری می‌باشد. لذا در جمهوری اسلامی ایران بیش از 10 سازمان اطلاعاتی وجود دارد؛ به عنوان نمونه بر اساس ماده ۱ قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۲ آمده است «به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمن داخلی و خارجی جهت پیشگیری مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌گردد.»

مذاکرات و انعقاد قراردادهای بین المللی

فقها معتقدند، مذاکره و انعقاد قرارداد با سایر کشورها به منظور حفظ نظام اسلامی باید با دقت و بر اساس اصول شرعی و اخلاقی انجام شود. فقها بر این باورند که هرگونه تعامل با قدرت‌های خارجی باید در راستای حفظ عزت مسلمانان و منافع ملی باشد و نباید به گونه‌ای باشد که منجر به تضعیف نظام اسلامی گردد. اصول حاکم بر مذاکره به عنوان یکی از ابزار های حفظ امنیت ملی عبارتند از: نفی رابطه با مستکبر، برائت از مستکبران، عزتمندی اسلام و مسلمانان و تلاش برای حفظ آن، نفی مشارکت در دشمنی و تجاوز، نفی تسلط بر مسلمانان (نفی سبیل)، تقدم صلح‌طلبی بر ستیزه‌گرایی،

رعایت احترام متقابل، اتکاء بر قدرت الهی (گوهری مقدم و کیانی مجاهد، 1398)، علاوه بر مذاکرات، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تأمین امنیت ملی نیز یکی دیگر از راهکارهای فقه‌هاست برای تأمین امنیت ملی می‌باشد. (اسماعیلی و بالایی، 1392)

نتیجه‌گیری

با تغییرات جهانی و ظهور تهدیدات جدید مانند تروریسم، جنگ سایبری و تغییرات اقلیمی، نیاز به رویکردهای نوین در سیاست‌های امنیت ملی احساس می‌شود. (اچوگا^۶ و مزدلی^۷، 2023) به همین منظور با نگاه به آموزه‌های اسلامی و نظرات فقهای شیعه نیز این مهم به چشم می‌خورد، با دقت در محتوای کلام فقها معلوم می‌گردد که هدف از دستوراتی که منجر به حفظ بیضه الاسلام می‌شود صرفاً حفظ محدوده جغرافیایی حکومت‌های اسلامی نیست بلکه از آنجایی که سرزمین بستر مادی محل ظهور و بروز دین تلقی می‌شود حفظ سرزمین از باب مقدمه واجب واجب شمرده شده است. (آل طوق قطیفی بحرانی، 1422، ج 2، ص 492)

نگارنده به منظور رسیدن به هدف مقاله که همانا طراحی الگوی فقهی امنیت فرافردی با استفاده از دیدگاه فقهای شیعه بوده است، جستاری در کتب فقهی موجود انجام داده و در پی یافتن راهی برای رسیدن به الگویی جامع بوده است. به همین منظور بیش از 80 کتاب و مقاله علمی پژوهشی ذیل موضوع امنیت بهره‌برداری و این نتیجه حاصل گردید که در میان عوامل برقرار کننده امنیت در جامعه اسلامی آن چه که بیشتر موجب حفظ ماهیت و چیستی اسلام (بیضه الاسلام) می‌گردد همانا امنیت در شقوق عمومی (فرافردی) آن می‌باشد. به همین منظور از میان مولفه‌های امنیت عمومی که نویسندگان متعدد از آن نام برده‌اند، نگارنده چهار عامل که بیشترین نقش در برقراری امنیت دارد را انتخاب و ذیل آن تحقیقات خود را انجام داده است. بر این اساس با توجه به نقش موثر اقتصاد در زندگی انسان‌ها، امنیت در این قسم به عنوان عامل اول انتخاب گردید، از آنجایی که عدالت قضایی در رسیدگی به دعاوی و تنازعات افراد نقش موثری در برقراری امنیت دارد، عدالت قضایی به عنوان عامل دوم امنیت را انتخاب گردید، حفظ نظام اسلامی در برابر اقدامات برهم‌زنندگان نظم درونی جامعه نیز عامل سوم انتخاب و با عنوان انتظام درون حکومتی نامگذاری گردید، در گام آخر نیز بعد خارجی امنیت با عنوان امنیت ملی برگزیده شد.

به منظور تکمیل تحقیقات بررسی کتب و مقالات موجود با هدف یافتن گزاره‌های فقهی انجام و این نتیجه حاصل شد که مولفه‌های چهارگانه امنیت فرافردی را عواملی تهدید نموده و عواملی منجر به حفظ آن می‌گردد.

پس از تکمیل این عوامل، به بررسی نقش حکومت‌ها در برقراری چهار قسم پرداخته و وظایفی را برای آنها ذکر نموده ایم. نگارنده با تحلیل کلیه عوامل موثر در برقراری امنیت فرافردی به الگوی مذکور رسیده است که نمای آن به شرح ذیل است:



نخست(امنیت فرافردی)

از میان عوامل فردی و عمومی امنیت آنچه بنا بر دیدگاه نگارنده نقش تعیین کننده ای در حفظ بیضه الاسلام دارد امنیت عمومی بوده که از آن تعبیر به امنیت فرافردی شده است.

لایه دوم(مولفه های امنیت فرافردی)

با بررسی ابعاد مختلف امنیت فرافردی، نگارنده 4 مولفه که از میان عوامل ذکر شده در کتب فقهی بیشترین تاثیر در برقراری امنیت فرافردی را داشته انتخاب که عبارت است از: اقتصاد، عدالت قضایی، انتظام درون حکومتی و امنیت ملی در حکومت های اسلامی

لایه سوم(گزاره های فقهی مخاطره آمیز و حفظ کننده)

این لایه شامل دو قسمت می باشد، گزاره هایی که از دیدگاه فقها امنیت را تهدید کرده و به مخاطره می اندازد و گزاره هایی که منجر به حفظ آن مولفه در امنیت فرافردی می شود.

لایه چهارم(نقش حکومت اسلامی در برقراری امنیت فرافردی)

در این لایه نقش حکومت ها در برقراری امنیت را بر اساس آموزه های دینی و شریعت اسلام ذکر نموده ایم که در صورت انجام آنها امنیت برقرار خواهد شد،

لایه پنجم(غایت امنیت فرافردی، حفظ بیضه الاسلام)

بیضه اسلام به معنای حفاظت از اصل دین اسلام، جامعه مسلمانان و سرزمین های اسلامی است. نگارنده بر این باور است که غایت امنیت فرافردی همانا حفظ بیضه الاسلام می باشد. این اصطلاح به طور خاص به حفظ اصول و ارزش های اسلامی و جلوگیری از تهدیدات داخلی و خارجی اشاره دارد. نظرات فقها در خصوص این مفهوم به وضوح نشان دهنده اهمیت آن در تأمین امنیت فرافردی مسلمانان است. مختصراً در زیر به برخی از نظرات فقها درباره حفظ بیضه اسلام اشاره می شود:

1. امام خمینی(ع):

امام خمینی رحمت الله علیه به عنوان یکی از برجسته‌ترین فقهای معاصر، حفظ بیضه اسلام را از مهم‌ترین واجبات شرعی دانسته‌اند و بر این باور بوده‌اند که هر مسلمانی باید در شرایط تهدید، به دفاع از کیان اسلام بپردازد. ایشان در این خصوص تأکید کرده‌اند که حفظ بیضه اسلام هیچ‌گونه قید و شرطی ندارد و در مواقع خطر، فقیه باید پیشگام شود. امام خمینی همچنین بیان نموده‌اند که اگر دین اسلام در خطر باشد، فقیه باید بدون توجه به خطرات شخصی، برای حفظ آن اقدام کند (امام خمینی، 1379).

2. میرزای نایینی(ع):

مرحوم میرزای نایینی در کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» به اهمیت حفظ بیضه اسلام اشاره کرده و آن را واجب کفایی دانسته است. ایشان بر این عقیده است که دفاع از بیضه اسلام باید در اولویت قرار گیرد و در صورت تهدید، همه مسلمانان موظف به دفاع هستند (نایینی، 1424، ص 39).

3. شیخ طوسی(ع):

در کتاب "المبسوط"، مرحوم شیخ طوسی بیان می‌کند که حاکم اسلامی می‌تواند بر اساس مصلحت مسلمانان در اراضی مفتوحه تصرف کند، که این نشان‌دهنده اهمیت حفظ کیان اسلام است (شیخ طوسی، 1387 ج 2، ص 27).

4. علامه حلی(ع):

مرحوم علامه حلی تأکید دارد که حفظ بیضه اسلام شامل نگهداری از کیان اسلامی و جلوگیری از تهدیدات داخلی و خارجی است. او این موضوع را به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف فقیهان و نواب عام امام معصوم در زمان غیبت مطرح می‌کند (علامه حلی، 1412، ج 4، ص 68).

5. ابن ادریس حلی(ع):

مرحوم ابن ادریس حلی در کتاب «سرائر» به مفهوم بیضه اسلام اشاره کرده و آن را به معنای مجتمع اسلامی تفسیر می‌کند. او بر این باور است که حفاظت از بیضه اسلام نه تنها شامل حفاظت از دین بلکه شامل حفاظت از جامعه اسلامی نیز می‌شود (ابن ادریس حلی، 1410، ج 2، ص 4؛ و عاملی، 1417، ج 2، ص 30).

پیشنهاد

حفظ بیضه اسلام به عنوان یک اصل کلیدی در فقه اسلامی شناخته شده است. با توجه به شرایط کنونی جهان، ضرورت حفاظت از بیضه اسلام بیش از پیش احساس می‌شود. به این منظور ضروری ست الگوی استقرار و برقراری امنیت فرافردی یعنی توجه به اقتصاد، عدالت قضایی، انتظام درون حکومتی و امنیت ملی به طور کامل در نظام اسلامی پیاده سازی شود. از همین رو پیشنهاد می‌گردد با ابتنا از الگوی طرای شده، قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب قوانینی خاص در این خصوص اهتمام ورزد.

منابع

1. ابن ادریس حلی. (1410). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
2. ابن علی، د. 1386، معیارهای دادرسی عادلانه در اسناد بین المللی و حقوق داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
3. اردکانی، م. (1370). رساله فی العداله. قم: مرتضی اردکانی یزدی.
4. اسماعیلی، محسن، و بالایی، حمید. (1392). الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه ی توسعه ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی. پژوهش های راهبردی سیاست، 2(5)، 43-75.
5. آقابابائی، ح. (1384). گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت. حقوق اسلامی، 2(5)، 42-11.
6. آل طوق قطیفی بحرانی، الف، ص (1422)، رسائل، بیروت: شرکه دار المصطفی صلی الله علیه و آله لاحیاء التراث
7. امام خمینی. (1379). ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی (س) 2جلدی. تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)).

8. امام خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
9. انصاری، م. (1411). المکاسب. قم: دار الذخائر.
10. انصاری، م. ب. م. (1389). القضاء و الشهادات. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
11. بروجردی، س. ح. (1388). منابع فقه شیعه: ترجمه جامع احادیث شیعه (جلد ۲۴-۱). تهران: فرهنگ سبز.
12. بیگدلی، علی، پایان نامه بررسی فقهی امنیت ملی در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)، 1402
13. پورسعید، ف. (1398). امنیت زدایی از دولت اقتصادی: قابلیت‌هایی از فقه امامیه. تهران: انتشارات سمت.
14. تمیمی آمدی، ع. ب. م. (1401). غرر الحکم و درر الکلم. قم: نشر آشکده.
15. حاج زاده، ه. 1399. مرجع امنیت در فقه اسلامی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. قم. انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
16. حر عاملی، ش. (1414). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت.
17. حسینی حائری، س. ک. (1390). احتکار. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خمینی.
18. حسینی عمیدی، ع. م. (1416)، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
19. حسینی مراغی، م. ع. (1417 ق). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه النشر اسلامی.
20. حسینی مراغی، م. ع. (۱۹۹۶). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
21. خامنه‌ای، س. ع. (1400). اجوبه الاستفتائات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
22. خمینی، س. ر. (1396). استفتائات. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
23. خمینی، س. م. (1380). ولایت فقیه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
24. خوئی، س. آ. و غروی، م. ع. (1383). التنقیح فی شرح المکاسب. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
25. راعی، م. و مولاییان، م. (1393). رویکرد فقه امامیه به عدالت معاوضی و تأثیر آن بر عقود الحاقی. حقوق اسلامی، 11(40)، 135-165.
26. رحمت‌اللهی، ح. لک زایی، ن. ارسطو، م. ج. و حاج زاده، ه. (1394). امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه. حقوق اسلامی، 12(44)، 113-152.
27. رحمت‌اللهی، حسین، لک زایی، نجف، ارسطو، محمدجواد، و حاج زاده، هادی. (1394). امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه. حقوق اسلامی، 12(44)، 113-152.
28. سید رضی. (1401). نهج البلاغه (مترجم: م. دشتی). قم: انتشارات امیرالمؤمنین (ع).
29. شریعتی، ر. (1382). چیستی قواعد فقه سیاسی. علوم سیاسی، 6(21).
30. شکوری، ا. (1377). فقه سیاسی اسلام. قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی. مرکز انتشارات.
31. شهید اول، م. ب. م. (1412 ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
32. شهید اول، م. ب. م. بدون تاریخ. القواعد و الفوائد فی الفقه و الأصول و العربیة. قم: مکتبه المفید.
33. شهید ثانی. (1410 ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة. قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
34. شیخ طوسی. (1387). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
35. صدر، س. م. (1383). ماوراء الفقه. بیروت: دار الاضواء.
36. طباطبایی حائری، س. ع. م. (1413 ق). ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل البيت.
37. طباطبایی، س. م. ح. (1380). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالکتب الاسلامیه.
38. طوسی، ش. (1400 ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی.
39. عبدالرحمان، م. (1419 ق). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه. مصر: دار الفضیلة.
40. عاملی، ش. م. (۱۴۱۷ ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
41. علامه حلی. (1400). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
42. علامه حلی. (1412). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

43. علیشاهی. (1396). پژوهشی در اباحه‌ی اموال کافران حربی از نگاه فقه شیعه. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، 10(34)، 85-108.
44. عمید زنجانی، ع. (1377). فقه سیاسی (جلد ۱-۱۰). تهران: انتشارات امیرکبیر.
45. غروی نائینی، میرزا محمد حسین (1424 ق) ، تنبیه اللمه و تنزیه المله، محقق/ مصحح: سید جواد ورعی، چ 1، قم : انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
46. فاضل آبی، ح. ب. ز. ا. (1408 ق). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
47. فرخجسته، ه. (1389). بررسی تاریخی ایستارها و ذهنیت‌ها در ایران و ارتباط آن با امنیت عمومی. تهران: انتشارات وزارت کشور.
48. فرزندی، ع. (1399). درآمدی بر اندیشه و نظریه دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
49. فصیحی، م. ح. (1399). مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه فقه‌های معاصر. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
50. فقه اهل بیت علیهم السلام. (1432ق). فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
51. قرآن کریم. (۱۹۹۷). قرآن کریم (مترجم: م. فولادوند). تهران: دارالقرآن الکریم.
52. قرشی، س. ع. ا. (1371). قاموس قرآن (جلد ۷-۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
53. کدیور، م. (1397). نظریه‌های دولت در فقه شیعه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
54. کرمی، م. م. و پورمند، م. (1380). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
55. گوهری مقدم، ابوذرو کیانی مجاهد، حامد. (1398). الگوی مذاکره در سیره نبوی. نشریه «دانش سیاسی»، 15(1)، 217-242.
56. لک زایی، ن. حاج زاده، ه. (1393). بررسی مرجع امنیت اقتصادی افراد از خلال قواعد فقه امامیه. دانشنامه حقوق اقتصادی. 21(6).
57. لنکرانی، م. ف. (1425ق). جامع المسائل. قم: امیر العلم.
58. محقق حلی. (1408 ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعیلیان.
59. محقق داماد، س. م. (1403). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
60. محمدیان، م؛ آخوندی، م؛ و کمیلی خراسانی، م ص. (۱۳۷۸). اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
61. مسعودیان، مصطفی. (1398). تحلیل فقهی حقوقی شاخصه‌های عدالت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانش حقوق عمومی، 8(25)، 103-124.
62. مشعشی، م و پبله ور، م و صادقی شهپر، ع. (1403)، راهکارهای تامین امنیت انتظامی سیاسی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران از منظر فقه امامیه.
63. مشکینی، ع. (1386). مصطلحات الفقه. قم: انتشارات الهادی.
64. مطهری، م. (1376). مجموعه آثار مرتضی مطهری (جلد ۳۰-۱). قم: انتشارات صدرا.
65. مطهری، م. (1395). بیست گفتار. تهران: انتشارات صدرا.
66. مغنیه، م. ج. (1377). فقه الامام جعفر الصادق: عرض و استدلال. قم: انصاریان.
67. مکارم شیرازی، ن. (1402). النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
68. منتظری، ح. ع. (1380). نظام الحکم فی الاسلام. قم: انتشارات سربانی.
69. موسوی اردبیلی، س. ع. (1397). فقه الحدود و تعزیرات. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
70. موسوی اردبیلی، س. ع. (۱۳۸۱) فقه القضاء. قم: جامعه المفید. مؤسسه النشر.
71. موسوی بجنوردی، س. ح. (1377) القواعد الفقهیه، قم: نشرالهدی
72. موسوی قزوینی، س. ع. (1424 ق). ینابیع الاحکام فی معرفه الحلال والحرام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
73. موسوی گلپایگانی، س. م. (1414 ق). مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم.
74. میر معزی، س. ح. (1402). نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

75. منتظری، ح.ع. (۱۴۰۹). دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية. قم: المركز العالمي للدراسات الإسلامية.
76. نباتیان، م.ا. ۱۴۰۰. فقه و امنیت (امنیت پژوهی در تراث فقه شیعه). قم. انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
77. نباتیان، م. س.، کریمیان، ن. ل. و لکزایی، ن. (1395). مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه فقهای معاصر. فصلنامه سیاست متعالیه، ۴(۱۴).
78. نجفی، م. ح. (1362). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
79. نصیری، ق. (1381). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت. راهبرد
80. هاشمی شاهرودی، س. م. (1382). فرهنگ فقه (جلد ۶-۱). قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
81. یزدی، م. (1415 ق.). فقه القرآن (جلد ۴-۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
82. Ciongaru, E. (2020). Some Case Studies Regarding the Application of the Principle of Legal Security in the Jurisprudence of the Constitutional Court of Romania. *EIRP Proceedings*, 15(1).
83. Gwardyński, R. (2020). Security in local communities from the perspective of the Police. *Zeszyty Naukowe Collegium Witelona*, 4(37), 31-42.
84. Jaworski, B. (2023). POLICE FORCE AS AN INTERNAL SECURITY ADMINISTRATION ENTITY. *RAIP*, 3(XXIII), 149-167.
85. Kadala, V., Guzenko, O., & Bondarenko, O. (2023). ECONOMIC SECURITY AS A TOOL FOR THE PROTECTION OF NATIONAL INTERESTS. *Baltic Journal of Economic Studies*, 9(4), 111-118.
86. Ochoga, O. E., & Mazdli, M. O. (2023). NATIONAL SECURITY: AN ASSESSMENT OF CONCEPTS, STRUCTURES, AND PLANS. *Arts and Social Science Research*, 13(2), 1-20.
87. Singh k.A. (2015). CONCEPT OF NATIONAL SECURITY: AN OVERVIEW. *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research*. 2(12).
- V.V. (2024). An essential characteristic of the economic security of the state. *Zub*